

درس‌نگی بر انگیزه‌های محلی نگاران خراسان در دورهٔ معاصر

ابوالفضل حسن‌آبادی^۱

پکیده

یکی از عوامل مهم در بررسی تاریخ محلی یک منطقه، شناسایی انگیزه‌های نگارشی در تألیف کتاب‌های تاریخ محلی و میزان تأثیرگذاری آنهاست. در این مقاله، انگیزه‌های محلی نگاران در خراسان مورد پژوهش قرار گرفته و براساس محتوای کتاب‌های تاریخ محلی، به صورت دسته‌بندی شده ارائه گردیده است. شیوه این تحقیق کتابخانه‌ای است و در موارد لازم از متن کتاب‌ها برای تبیین بیشتر مطالب استفاده شده است. ارزش اطلاعات این مقاله از آن روزت که تاکنون کمتر به تحلیل تاریخ محلی خراسان در دورهٔ معاصر و بررسی انگیزه‌های نگارشی آن پرداخته شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد انگیزه‌های علمی، اقتصادی و سیاسی بر نگارش کتاب‌ها تأثیر دارد و در مقایسه با انگیزه‌های نگارشی در دوران قبل، تغییرات چندانی نکرده است.

کلیدواژه‌ها: انگیزه‌های نگارش، تاریخ خراسان، تاریخ محلی، مورخان محلی.

مقدمه

خراسان به لحاظ سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی تأثیر زیادی بر تاریخ ایران داشته و این مسئله بر تاریخ نگاری محلی آن که یکی از غنی‌ترین مناطق محلی نگاری

۱. دکترای تاریخ محلی و مدیریت اسناد و مطبوعات آستان قدس رضوی
ahassanabady1@yahoo.com



به شمار می‌رود، تأثیر مستقیم گذاشته است. موقعیت جغرافیایی خراسان و تنوع قومی و فرهنگی آن سبب شکل‌گیری شخصیت محلی نگاری ویژه‌ای شده و وجوده تمایزی به مؤلفه‌های تاریخ نگاری این سرزمین بخشیده است. یکی از این ویژگی‌ها، انگیزه‌های محلی نگاران است. بررسی محتوای کتاب‌های تاریخ محلی نشان می‌دهد نیت و هدف مؤلف از نگارش کتاب، مهم‌ترین دلیل و محركه برای تألیف بوده است. این انگیزه‌ها به ویژه زمانی که جنبه محلی پیدا می‌کند، از اهمیت بیشتری برخوردار می‌شود. هدف از نگارش این مقاله، شناسایی و دسته‌بندی انگیزه‌های نگارش تاریخ‌های محلی خراسان در دورهٔ معاصر است. در این بررسی، براساس محتوای تاریخ‌های محلی و نوشته‌های مورخان در مقدمه کتاب‌ها، انگیزه‌های کلی استخراج و در چند رده‌بندی کلی چینش می‌شود تا شمایی از کلیات انگیزه‌های نگارش به دست آید. مبنای استخراج اطلاعات نوشته‌های نویسنده‌گان است تا تحلیل محتوایی کتاب‌هایی که به نگارش درآمده است.

در همین راستا، سعی شده تا این انگیزه‌ها به صورت واضح مشخص شود. بررسی پژوهش‌های انجام شده در زمینهٔ تاریخ محلی خراسان بیان‌گرآن است که تاکنون به صورت ویژه به مسئله انگیزه‌های نگارشی پرداخته نشده است. در این مقاله، ابتدا به اختصار و با نگاه آماری، به مورخان محلی نگار و آثار آن‌ها پرداخته می‌شود و دردامه با طرح سؤال‌هایی مانند مهم‌ترین انگیزه‌های نگارش تاریخ‌های محلی، ارتباط بین پایگاه اجتماعی و انگیزه مورخان و تناسب بین انواع انگیزه‌های نگارشی در تاریخ نگاری محلی خراسان، تا مهم‌ترین انگیزه‌های نگارشی تبیین و تحلیل خواهد شد.

نگاه آماری به مورخان محلی نگار خراسان در دورهٔ معاصر

در دورهٔ معاصر تا انتهای دهه ۴۰، تعداد ۴۸ مؤلف جمعاً ۶۸ کتاب را در زمینهٔ تاریخ خراسان به رشتۀ تحریر درآورده‌اند. از این تعداد، ۲۹ نویسنده بومی و ۱۹ نویسنده غیربومی بوده‌اند. بیشتر آثار نویسنده‌گان غیربومی درباره خراسان و کلیات شهر مشهد بوده است. تاریخ تمام شهرستان‌ها به استثنای نیشابور که به علت قدمت تاریخی اهمیت بیشتری دارد، توسط نویسنده‌گان بومی نوشته شده است. نگاه عمومی به تاریخ شهرها، باعث شده تا در شهرهای کوچک، به غیراز قوچان، بیش از یک نویسنده محلی مطرح نباشد. تنها

نویسنده محلی که به تاریخ منطقه‌ای پرداخته «میرنیا» است که ۳ کتاب در این زمینه نوشته است. موضوع مورد علاقه نویسنندگان بومی محلی این دوره، تاریخ شهرها و ورجال بوده و علاقه کمتری به موضوع نگاری داشته‌اند. میانگین نگارش کتاب، به دوازبرای هر نویسنده نمی‌رسد. این مسئله می‌تواند ناشی از عدم تخصص نگری در موضوعات کتاب‌های تاریخ محلی باشد. از میان نویسنندگان این دوره، محدودی از آن‌ها مانند «مولوی»، «جباری»، «میرنیا» و از نویسنندگان خارجی مانند «غلام محمد غبار»، کتاب و مقاله محلی دارند. در دهه ۵۰، تعداد کتاب به کمتر از نصف کاهش یافت. از ۲۴ نویسنده این دوره ۹ نفر بومی، ۹ نفر غیربومی، ۳ مؤلف خارجی و ۵ نفر متفرقه‌اند. افزایش تعداد نویسنندگان بومی با توجه به کم شدن کتاب‌های تاریخ محلی در شهرستان‌ها و افزایش کتاب‌های کلی مربوط به تاریخ خراسان، حاکی از تغییرنگاه و نگرش نویسنندگان بومی و علاقه‌مندی آن‌ها به موضوعات کلی است. نویسنندگان بومی تحصیلات دانشگاهی مرتبط ندارند و علاقه‌مندانی هستند که اقدام به نگارش مطلب درباره شهر خود نموده‌اند. برخی از این نویسنندگان تخصص و تجربه مرتبط را داشته و برخی بدون پیشینه تخصصی به نگارش کتاب پرداخته‌اند.

در دهه ۶۰، تاریخ نگاری محلی رشد نسبی داشت. ۴۶ عنوان کتاب توسط نویسنده نوشته شده‌اند که ۱۰ نویسنده بومی، ۱۹ نفر غیربومی و ۴ نویسنده خارجی‌اند. تضعیف تاریخ نگاری محلی در شهرستان‌ها و اهمیت یافتن خراسان به عنوان یک موضوع کلی، باعث شد تا نسبت بین نویسنندگان بومی و غیربومی تغییریابد. از مهم‌ترین دلایل این مسئله اهمیت یافتن موضوعاتی مانند واقعه طبس، حادثه مسجد گوهرشاد و قیام پسیان بود. هرچند قوم نگاری «توحدی» در کتاب حرکت تاریخی کرد به خراسان، شروع موضوعات جدید را در تاریخ نگاری محلی خراسان نوید داد، اما ادامه پیدا نکرد. تاریخ نگاری منطقه‌ای نیز که تا حدودی در آثار «میرنیا» مانند بیلات و طوایف خراسان انعکاس یافته بود و مزه‌های اجتماعی و نه اداری را شامل می‌شد، کمتر مورد توجه واقع گردید. سیر تاریخ نگاری محلی قوچان با دو نویسنده محلی «جباری» و «شاکری» ادامه یافت و برای نخستین بار درباره شهر قائن دونویسنده اقدام به نوشتند تاریخ این شهر نمودند. در دهه ۷۰ تغییرات زیادی مانند گستردگی شدن مجدد سیطره تاریخ نگاری محلی به همه شهرستان‌ها، افزایش تنوع در موضوعات محلی نگاری و ظهور

درنگی برانگیزه های محلی نگاران خراسان در دوره معاصر

نویسنده‌گان محلی جدید در محلی نگاری خراسان ایجاد شد. ۹۳ نویسنده ۱۲۱ عنوان کتاب را در این دهه نوشته‌اند. آمار ۱/۵ کتاب برای هر نفر، بیانگر نبود مورخان باز در این دهه است. از ۹۳ نفر، ۵۳ نویسنده بومی و ۴۰ نویسنده غیربومی هستند که بیانگر تغییر

نسبت بین نویسنده‌گان بومی و غیربومی است. (حسن‌آبادی، ۱۳۹۲: ۱۱۰ - ۱۲۰). در مجموع، ۹۳ مؤلف، ۱۲۱ عنوان کتاب را در زمینهٔ تاریخ معاصر خراسان نوشته‌اند که آمار مورخان بومی بیشتر از غیربومی‌ها بوده‌است. در ادامه مقاله، با بررسی کتاب‌های به نگارش درآمده توسط مورخان بومی، انگیزه‌های آن‌ها بررسی خواهد شد.

انگیزه‌های مورخان محلی نگار در خراسان

در نگارش تاریخ‌های محلی، عوامل زیادی مؤثر است که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:
۱. علاقه به زادگاه و تأثیر آن بر نگارش تاریخ‌های محلی در خراسان: تجربیات نشان می‌دهد نویسنده‌گان تاریخ محلی اغلب افرادی کم تجربه ولی علاقه مند هستند که دوره خاصی درباره کار تاریخ محلی ندیده و حتی گاهی تحصیلات دانشگاهی ندارند. مدرک تحصیلی آن‌ها مرتبط با موضوع نگارش نیست و با وجود کمبود اطلاعات، سختی نگارش و نبود آموزش‌های علمی، تاریخ محلی می‌نویسند. محتوای آثاری که توسط این گروه از نویسنده‌گان تهیه می‌شود، از حیث ادبیات نگارش با سایر آثار تفاوت دارد و احساسات بیشتری در آن جاری است. همه این‌ها ناشی از یک انگیزه مهم و آن هم علاقه به زادگاه است. از مهم‌ترین دلایل نگارش تاریخ‌های محلی توسط این افراد، می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱- مهم‌ترین دلیل نگارش آن‌ها علاقه به زاد بوم است چنان‌که این مسئله را در مقدمه آثار خود ذکر کرده‌اند. «گرایلی» در تاریخ نیشابور می‌آورد: «منشاً آبادی سرزمین، حب وطن است و من هم به پاره‌ای از خاک ایران بزرگ که نیشابور نام دارد علاقه‌مندم». (گرایلی، ۵۷: ۱۷).

- «به حکم وجود و فطرت، با وطن مأنس است و به آب و خاک که در آن پرورش یافته، علاقه دارد». (آیتی، ۱۳۷۱: ۲)

۱-۲: احساسات و عواطف نویسنندگان نسبت به موضوع نگارش در کتاب
برجسته است و حتی از اشعار مرتبط در نگارش خود استفاده می‌کنند. به عنوان مثال،
«رضایی» درباره بیرجند سروده است:

میاد از گردش دوران گزندش	خوشابیرجند وضع دلپسندش
آینه جوانی من شهربیرجند	آن مرز باستان و آن خاک دلگشا

۱-۳: ادای دین نسبت به وطن: بیشتر این نویسنندگان احساس دین نسبت به شهر
خود داشته و خود را موظف به ادای آن می‌رانند. آن‌ها مصمم هستند که اطلاعات و
داشته‌های خود را به بهترین نحو حفظ و به همشهربان خود منتقل کنند.

«زنگنه» در کتاب خود می‌نویسد: «... برخود واجب دانستم که در مجموعه‌ای به
بیان عظمت آن [سرزمین] و رجالش پردازم». (زنگنه قاسم‌آبادی، ۶: ۱۳۷۰)

- «این است حاصل سال‌ها صرف وقت! من هیچ منتی برکسی ندارم».
(شفیعی‌کدکنی، ۱۳۷۵).

- «رساله‌گونه‌ای مستند تهیه نمایم که شاید تا حدی دین خود را به شهری که
ریشه‌های بزرگی اش در خاک مقدس فرو رفته، ادا کنم». (گرایلی، ۱۳۵۷).

۱-۴: این گونه نویسنندگان اغلب سال‌ها به فکر نگارش و جمع‌آوری مقدمات اثر خود
می‌باشند و نوشتمن برای آن‌ها دغدغه‌ای همیشگی است.

- «سی سال قبلی که در اصفهان بودم، به فکر نگارش کتاب بودم». (تابنده، ۴: ۱۳۴۸).
- «از سال ۱۳۴۰ به فکر تألیف کتابی جامع در موضوع تاریخ فرهنگ خراسان هستم».
(عطاردی، ۴: ۱۳۷۱).

- «بیش از سی سال است باتوان و تلاش بی‌وقفه، در جستجوی آثاری از تاریخ
قوچان هستم». (شاکری، ۴: ۱۳۶۵).

- «از سال ۱۳۳۴ که وارد آستان قدس شدم، کارم جمع‌آوری اطلاعات بوده است».
(مؤتمن، ۳: ۱۳۴۸).

- «از سال ۳۷ تا ۵۰، به فکر کار و جمع‌آوری اطلاعات بوده‌ام». (جابانی، ۴۰: ۱۳۸۰).

- «۲۰ سال بود که تصمیم به نوشتمن تاریخ نیشابور داشتم». (گرایلی، ۷: ۱۳۵۷).

۱-۵: نوعی حسرت نسبت به موضوع، دیرانجام دادن کار، در اختیار قرار ندادن
تجربیات و یا ترس از انجام نشدن کار وجود دارد.



درنگی برانگیزه‌های محلی نگاران خراسان در دوره معاصر

سال سوم - نظریه ادب و فرهنگ اسلامی - پیاپی ۱۳

۲۳

- «دریغم آمد که دستاوردهای را در اختیار دیگران قرار ندهم». (شاکری، ۱۳۶۵: ۴).
- «ترس از این که نتوانم بار را به مقصد برسانم». (زنگنه قاسم آبادی، ۱۳۷۰: ۶).
- «ضعف و پیری، نویسنده را مشوش و او را قادر به اتمام کار کرد». (مؤتمن، ۱۳۴۸: ۴).
- «شب‌های دراز که بر اثر مطالعات مستمر شاهد رویدن موهای سپید خویش بودم و جسمم به تحلیل می‌رفت». (گرایلی، ۱۳۵۷: ۷).
- ۱ - ۶: این نویسنده‌گان معمولاً با محیط و به ویژه همشهریان ارتباط نزدیکی دارند و تشویق آن‌ها از عوامل نگارش و یا استمرار کارشان است.
«در محافل دوستان گاهی نقل خاطراتی از برجند و افراد و تبار آن زیاد داشتم که همه را به شنیدن مشتاق می‌دیدم و آن‌ها مرا به نشر خاطرات تشویق می‌کردند». (آیتی، ۱۳۶۷: ۲).
- ۱ - ۷: تشویق علماء، استادان و رجال مطرح:
- «سلمان خان روشنی زعفران‌لواز من درخواست کرد درباره اسفراین کتاب بنویسم. (توحدی، ۱۳۷۴: ۳).
- «صاحب نظران نام آشنا تذکراتی دادند و عده‌ای تشویق کردند». (شاکری، ۱۳۶۵: ۳).
- «سید محمد مهدی علوی سبزواری و شیخ آقامزگ طهرانی، حاج شیخ سید محمد حسین آیتی را تشویق به نوشتن کتاب تاریخ بهارستان کردند». (آیتی، ۱۳۲۷: ۶).
- ۱ - ۸: برخلاف بسیاری از نوشه‌ها، تاریخ‌های محلی بومی، گاهی بازخورد مثبت یا منفی برای مؤلف محلی دارد. محتوای این کتاب‌ها به علت آن که به متن جامعه نزدیک و حاوی مطالب گذشته نزدیک و نه دور است، گاه شائبه توهین، نادیده انگاشتن و یا بزرگ‌نمایی در آن‌ها مطرح می‌شود. بازخورد مطالب «جانبی» درباره خانواده‌های قدیم قوچان جالب است. «اساتید دانشگاه مطالبی که درباره سرگذشت مردم نوشته‌اند را به افسانه بیشتر شبیه دانستند. یک نفر از بازماندگان حکومت‌های قدیم قوچان گفت، سرگذشت بقال و چقال را چرا نوشته‌اند، عده‌ای هم خوشحال که تاریخ به نام آن‌ها نیز ورق خورده و به حساب مردمی که اجدادشان در ساختار شهر جدید قوچان دست‌اندرکار بوده‌اند، درآمده است». (جانبی، ۱۳۷۵: ۴).
- «عده‌ای تشویق کردند و برخی به ستیزی گرفتند». (شاکری، ۱۳۶۵: ۴).
- ۱ - ۹: نویسنده‌گان محلی اغلب سعی دارند هویت فرهنگی و تاریخ و جغرافیای شهر

خود را ارائه کنند. در واقع، اثرآن‌ها نه تنها در حکم یک کتاب، بلکه اثری هویتی و تاریخی و معرف شهربانی شود. در برخی از مقدمه‌هایی که این مؤلفان بر اثر خود نوشته‌اند، به این مسئله تأکید شده است.

- «برای بازسازی این نیشابور باید جان کند و هر پاره‌ای از این موجودیت را با هر وسیله‌ای که امکان‌پذیر است، به دست آورد». (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۷۵: ۱۴).

- «همشهری‌ها درباره گذشته‌شان اطلاعاتی داشته باشند و پاسخگویی به مسائل امروز و فردای صد خرو، با دانستن هویت و جایگاه فرهنگی امکان‌پذیر می‌باشد». (عمادی‌پور، ۱۳۸۰: ۵).

- «مردم زورآباد از بی‌هویتی جمعی و سردرگمی تاریخی به درآیند». (سیدی، ۱۳۷۳: ۴).

- «بازسازی هویت تاریخی و فرهنگی طبس بعد از زلزله سال ۵۷». (دانش‌دوست، ۱۳۶۹: ۴).

- «دانستن تاریخ یک جامعه یا محیط کوچک مفید و برای آگاهی خصایص روحی و زندگانی آن جامعه و ساکنین آن محیط مؤثر بلکه برای خود آن‌ها مفید است». (تنابنده، ۱۳۴۸: ۳).

۱- ۱۰: برخی از این نویسنده‌گان، هویت تاریخی شهر خود می‌باشند و تاریخ برخی شهرها به نام آنان شناخته می‌شود؛ چنان‌که تاریخ نیشابور با گرایی و تاریخ قوچان با «جابانی» گره خورده است. هرچند درباره بسیاری از شهرهای خراسان افرادی حتی بیش از یک اثر نوشته‌اند، اما در تاریخ محلی علاوه بر تعداد کتاب‌ها، ملاک‌های مهم‌تری مانند میزان زمان صرف شده و جایگاه نویسنده نیز مطرح است.

۱- ۱۱: برخی از این نویسنده‌گان در نگارش کتاب برای تاریخ شهر خود و جمع‌آوری مدارک لازم، رحمت زیادی کشیده‌اند. «جابانی» در قوچان بیش از نیم قرن را صرف جمع‌آوری اسناد و مدارک از خاندان‌ها و حتی روستاهای دورافتاده نموده و آن‌ها را در کتاب‌های خود به چاپ رساند. البته، بیشتر این نویسنده‌گان اهتمام خود را صرف نوشتمن و نه آرشیوسازی منابع نموده‌اند.

۱- ۱۲: تحصیلات این نویسنده‌گان در حد متعارف کارشناسی و بیشتر غیر مرتبط با تاریخ است، به همین دلیل آثاری را که نوشته‌اند، بیش از آن که جنبه تحلیلی و تاریخی داشته باشد، جنبه توصیفی و تعریفی دارد.



۱-۱۳: برای بسیاری از نویسندهای کتاب‌های تاریخ محلی، نوشتمن کتاب تنها شرح یک واقعه با رویداد و تبیین دیدگاه‌های تاریخی نیست که در وقت آزاد خود بنگارند. برای آن‌ها، نگارش کتاب‌های تاریخ محلی، زندگی کردن با تاریخی است که همیشه و در همه وقت به آن فکر می‌کنند.

۱-۱۴: نویسندهای محلی بومی که از شهرشان به هر دلیلی مهاجرت کرده‌اند و در جای دیگری زندگی می‌کنند، هیچ‌گاه نسبت به زادگاه خود بی‌علاقه نمی‌شوند. برخی از این افراد بدون قصد قبلی و در پی یک ایده یا فکر، آثار خود را می‌نویسنند. «دکتر رضایی» در مقدمه بی‌رجندنامه می‌نویسد: «بعد از بیست و چند سال که بی‌رجند رفتم تا کتاب واژه‌ها را بازنگری کنم، شهر را متفاوت دیدم و تغییرات زیاد، تصویر تازه‌ای را که با تصویر ذهنی قبلی ام متفاوت بود، به وجود آورد». همین امرانگیزه نگارش کتابی به نام بی‌رجندنامه برای وی می‌گردد. (رضایی، ۱۳۸۰: ۲۰). «برزگر» نیز در کتاب گذر سرزمین ایزد به عنوان یک بجستانی مقیم تهران، اقدام به نگارش کتاب جهت معرفی شهر برای بجستانی‌های خارج از زادگاه خویش می‌کند (برزگر، ۱۳۷۰: ۵). محتوای کتاب این گروه از محلی‌نگاران از حیث محتوایی تفاوت زیادی با گروه قبلی ندارد، هرچند در کنار علاقه و انگیزه‌های علمی، دید انتقادی قوی‌تری دارند. این افراد نویسندهای معروفی نیستند و عمده‌تاً غیر از کتاب تاریخ محلی خود، تألیفات غیر مرتبط دیگری با موضوعی که نوشته‌اند، در کارنامه دارند. برای مثال، «دکتر رضای حقی» نویسنده کتاب فردوس، تون دکترای زبان و ادبیات فارسی داشته و این کتاب اثری مرتبط در سابقه پژوهشی او شمرده نمی‌شود، اما بر حسب علاقه و وظیفه آن را نوشته است.

۲. انگیزه‌های مذهبی: یکی از انگیزه‌های مطرح در تاریخ‌نگاری سنتی و جدید، انگیزه مذهبی است که در تاریخ‌نگاری محلی خراسان جایگاه ویژه‌ای دارد. وجود بارگاه حضرت رضا علیه السلام در شهر مشهد، انگیزه‌ای قوی برای نگارش و یا تسهیل کننده، زمینه آن بوده است. افرادی را که با انگیزه محلی اقدام به نگارش کتاب نموده‌اند، می‌توان به دو گروه تقسیم نمود:

۲-۱: نویسندهای بومی: این نویسندهای که ساکن مشهد هستند، با انگیزه مذهبی اقدام به نگارش تاریخ درباره آستان قدس و شهر مشهد نموده‌اند. از آثار مهم می‌توان به تاریخ‌های آستان قدس رضوی اشاره نمود. در دوره معاصر سه کتاب درباره آستان قدس

رضوی نوشتہ شده که سبب گردیده تاریخچه این نهاد مذهبی به خوبی مدقون گردد. اولین آن‌ها تاریخ آستان قدس (مؤتمن، ۱۳۴۸)، تاریخ آستان قدس (احتشام‌کاویانیان، ۱۳۵۴) و تاریخ آستان قدس (عطاردي، ۱۳۷۱) است. «مؤتمن» و «احتشام‌کاویان» کارمند آستان قدس رضوی می‌باشند. احساس نیاز به وجود تاریخ کامل برای آستان قدس و علاقه به بارگاه حضرت، انگیزه داخلی نگارش آنان بوده است. (مؤتمن، ۱۳۴۸: ۳). این عامل در کنار اهمیت موضوعی حرم و متعلقات آن، باعث شده تا تاریخ نگاری مذهبی در خراسان نسبت به سایر مناطق کشور، پیشینه و اعتبار بیشتری داشته باشد.

دسته دیگر تاریخ نگاران مذهبی، نویسنده‌گانی هستند که تاریخ‌های محلی مذهبی را با رنگ و بوی تاریخی می‌نویسند. چنان‌که «ادیب هروی» می‌آورد: «اندیشه کردم که شخصت مرحله از مراحل زندگی خود را در مجاورت این تربت پاک و مهبط افلاک سر نموده، خدمتی که شایان این بارگاه فلک انتباه باشد ننموده‌ام ... و تألیف به نام مبارک علی بن موسی علیه السلام فراهم آمده آن را حدیقة الرضویه نام نهادم». (ادیب هروی، ۱۳۲۷: ۵) یا کتاب مزارات خراسان مدیر «شانه‌چی» که مشتمل بر مجموعه مقالات وی درباره مزارات خراسان است (مدیرشانه‌چی، ۱۳۴۵). در کنار بارگاه حضرت رضا علیه السلام، وجود بقاع متبرکه قدیمی و مساجد با ارزشی مانند گوهرشاد نیز زمینه‌های تقویت انگیزه‌های مذهبی را فراهم نموده است.

۲-۲: نویسنده‌گان غیربومی: این نویسنده‌گان عمدتاً افرادی هستند که به قصد زیارت به سوی مشهد آمده و مدتی مجاور می‌گردند و اقدام به نگارش سفرنامه یا کتاب می‌کنند. محتوای این کتاب‌ها ضمن در برگیری تاریخ مختصری از خراسان، به اقامت آن‌ها در مشهد می‌پردازد. «شهر رضایی» در تاریخ منظوم خراسان که آن را به آستان ملائک پاسبان امام هشتم تقدیم کرده، درباره تاریخ خراسان و مشهد به صورت شعر مطالبی را آورده است (شهر رضایی، ۱۳۴۹). وی مدتی در مشهد مجاور بوده است. سفرنامه حاجی داود، زائری از بمبئی که اطلاعات خود از سفر به مشهد را یادداشت و به صورت کتاب چاپ کرده است. (حاجی داود، ۱۳۷۶).

۳. انگیزه علمی: انگیزه علمی یکی از مهم‌ترین دلایل نگارش تاریخ‌های محلی معاصر است. تمیزبین این انگیزه در تاریخ نگاری محلی قدیم و جدید دشوار است. همه کتاب‌هایی که در این زمینه نوشته شده، به صورت نسبی ساختار و انگیزه علمی دارند.



این انگیزه را می توان در دل موارد زیر دسته بندی نمود.

- جبران کاستی ها و شناساندن کمبودها

- معرفی یک محل و یا شهر و سعی در ارائه اطلاعات تاریخی مانند تاریخ مشهد خجسته بشری درباره حرم، شهر مشهد و اماکن آن (خجسته بشری، ۱۳۹۴ق).

- سالشمارنگاری وقایع وحوادث که بر مبنای حوادث مهمی که در تاریخ یک شهر یا منطقه اتفاق افتاده، نوشته می شود؛ مانند سالشمار وقایع مشهد که یکی از اولین تألیفات درباره حوادث رخ داده در یک شهر است (مدرس رضوی، ۱۳۷۸) و یا وقایع خاور ایران که درباره وقایع خراسان و استانداران نوشته شده است.

- کتاب هایی که براساس یک طرح علمی و یا پایان نامه تهیه و سپس چاپ شده اند؛ مانند تاریخ مشهد (قصابیان، ۱۳۷۸) و خراسان و حکمرانان (افشار آرا، ۱۳۸۰).

- کتاب هایی که حالت مرجع و دایرة المعارفی داشته و حاوی اطلاعات عمومی در یک شهر می باشند؛ مانند مشهد از نگاه سیاحان (طاهر نیا، ۱۳۷۶).

- کتاب هایی که درباره تاریخ خراسان و یا مجموعه شهرهای آن به نگارش درآمده و علت اصلی آن، تأليف کتاب هایی در زمینه کلیات خراسان و توضیح اهمیت تاریخی آن است؛ مانند تاریخ خراسان در قرون اولیه هجری (رئیس السادات، ۱۳۸۰) بنایی تاریخی خراسان (معزی، ۱۳۵۹) سیمای وقف در خراسان (امیرشیبانی، ۱۳۸۰)، سیمای میراث فرهنگی خراسان (لباف خانیکی، ۱۳۷۸).

نویسنده این کتاب ها اغلب بومی هستند که با نگاهی علمی تر درباره تاریخ محلی می نویسند. نوع دیگری از تاریخ نگاری علمی، توجه به موضوعات تاریخی خراسان است که مورد توجه نویسنده ای غیربومی است. مانند قیام پسیان، شورش لهاک خان که بر پایه اسناد و مدارک تاریخی، نوشته شده است.

۴. انگیزه های حمایتی و مناسبتی: در تاریخ نگاری سنتی، عاملی به نام حمایت دربار و پادشاهان و در اوخر قاجاریه انگیزه دولتی در نگارش تاریخ های محلی تأثیر داشته است. این مسئله در تاریخ معاصر به شکل دیگر تداوم یافته است. در تاریخ نگاری محلی جدید کتاب هایی را می بینیم که به صورت مناسبتی چاپ شده اند. این گونه کتاب ها چند دسته هستند. حمایت هایی که موردی و در مقطع خاصی بوده است؛ مانند کتاب هایی که به مناسبت های خاص چاپ شده است؛ مانند تاریخ نیشابوریا

تاریخ آستان قدس رضوی، کتاب‌هایی که در ذیل حمایت مراکزیا انجمن‌های علمی و فرهنگی، تأثیر شده است؛ مانند کتاب‌هایی که در ذیل حمایت انجمن آثار ملی ایران تحقیق و چاپ شده است مثل آثار باستانی خراسان (مولوی، ۱۳۵۴). این آثار جهت‌گیری علمی داشته و با خط مشی خود انجمن، نوشته می‌شدند.

کتاب‌هایی که با حمایت مراکزو مؤسسات دولتی چاپ شده است. بعد از انقلاب، آثاری با حمایت میراث فرهنگی خراسان یا اداره ارشاد به چاپ رسیده است. مانند تاریخ آستان قدس رضوی عطاردی. کتاب‌هایی که با حمایت نهادهای خصوصی چاپ شده است؛ مانند تاریخ‌های محلی که توسط بنیاد پژوهش‌های اسلامی دردهه ۶۰ و ۷۰ و مرکز خراسان شناسی در اوخردهه ۷۰ به چاپ رسید. این حمایت بر تاریخ‌نگاری محلی این دوره تأثیر داشته و باعث شد تا کتاب‌هایی درباره شهرهای خراسان به نگارش درآید؛ مانند کلاس نادری (حسروی، ۱۳۷۰) و یا جغرافیای تاریخ شیروان (مقیمی، ۱۳۷۰) یا

تاریخ کاشمر (حسروی، ۱۳۷۲).

۲۸

۵. انگیزه‌های قومی: در حوزه تحقیقات قومی دونوع تاریخ‌نگاری متفاوت انجام شده است. نخست، کتاب‌هایی که با انگیزه علمی نوشته شده است. آثار «میرنیا» مانند ایلات و طوائف دروغزرو «پاپلی یزدی» با عنوان عشاير شمال خراسان در این زمرة است. دوم، کتاب «توحدی» با عنوان حرکت تاریخی کرد به خراسان است که در شش جلد تأثیر شده و انگیزه قومی داشته است. در تاریخ‌نگاری قومی مرزهای اداری و حکومتی مفهوم ندارد و این ایل یا قوم است که اهمیت دارد نه منطقه و محل. «توحدی» سال‌ها وقت صرف جمع‌آوری اسناد و مدارک و تدوین آن‌ها نموده است. حس قومیت‌گرایی و احیای هویت ایلی برای نویسندهان بومی این کتاب‌ها، بر هرانگیزه دیگری ارجحیت دارد. این نوع نگارش در تاریخ‌نگاری محلی سنتی را در کتاب شرف‌الدین بدليسی، شرف‌نامه می‌توان پیدا نمود.

۶. انگیزه اقتصادی: یکی از دلایل نگارش تاریخ‌های محلی در قدیم، تأمین اقتصادی و امرار معاش مؤلف بود که گاه باعث وابستگی آن‌ها می‌گردید. در تاریخ‌نگاری محلی جدید، این مسئله به صورتی که درگذشته مطرح شده، موضوعیت ندارد. بیشتر مؤلفان، حقوق‌بگیران دولتی (فرهنگی) هستند که با توجه به حقوقی که دریافت می‌کرده‌اند، انگیزه‌های مادی آن‌ها کم نگ بوده است. برخی از این افراد هزینه‌های



شخصی زیادی را برای تألیف و حتی چاپ کتاب انجام داده اند که می توان به «جابانی» و «گرابلی» اشاره نمود.

۷. انگیزه شغلی: در اواخر دوره قاجاریه کتاب هایی دیده می شود که انگیزه نگارش آن ها علاوه بر وطن دوستی، با شغل افراد نیز مرتبط است. آثاری مانند سدید الساطنه که مطلب کتاب های خود را در ضمن مأموریت اداری جمع آوری می کند، از آن جمله است. در میان کتاب های محلی خراسان نیز آثاری دیده می شود که در حین مأموریت اداری و کار آن ها در یک محل دیگر، نوشته شده است.

به عنوان نمونه، «توحدی» در اسفراین دیروز و امروز می آورد که در گذشته به عنوان مسئول فرهنگ به اسفراین رفته است و در راستای تحقیق اول خود یعنی حرکت تاریخی کرد به خراسان، به این شهر علاقه مند شده است (توحدی، ۱۳۷۴: ۲) یا «خسروی» در کتاب کلات نادر می آورد که برای تدارک دادگستری کلات قبلاً به آنجا رفته و به نوشتن تاریخ علاقه مند شده است (خسروی، ۱۳۷۰: ۶).

۸. انگیزه سیاسی: جلب توجه شاهان، امرا یکی از دلایل اصلی نگارش تاریخ های محلی در محلی نگاری سنتی بوده است. این امر در تاریخ نگاری جدید به چشم نمی خورد اما بررسی کتاب های به نگارش درآمده در دوره معاصر نشان می دهد به مناسبت های خاص مانند پنجمین سال سلطنت پهلوی، کتاب هایی با خوشایند مسئولان سیاسی نوشته شده است؛ مانند هدیه شرق ایران، شرف قیام ملی خراسان، خدمتگزاران خراسان که البته نسبت به کل کتاب های تاریخ محلی، بسیار کم است. نگارش کتاب هایی با انگیزه حزبی و یا وابستگی به یک گروه و انجمن خاص می تواند دلیلی برای نگارش کتاب های تاریخ محلی باشد که در تاریخ محلی معاصر کمتر به آن توجه شده است.

ارزیابی نهایی

در یک برآورد کلی، انگیزه های وطنی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را می توان مهم ترین دلایل نگارش کتاب های تاریخ محلی برشمرد. این انگیزه ها به نسبت سایر تألیفات از درجه اهمیت متفاوتی برخوردار است. چنان که ممکن است در حالت

عادی انگیزه اقتصادی و سیاسی در کتاب‌های معمولی اهمیت بیشتری داشته باشد، در حالی که در تأثیفات محلی، انگیزه وطن‌دوستی و مذهبی از اهمیت بیشتری برخوردار است. سنجش سنت محلی نگاری در تاریخ معاصر خراسان با دوره‌های قبل از آن نشان می‌دهد که در نسبت اهمیت انگیزه‌ها تغییراتی ایجاد شده است. در دوره معاصر مسئلهٔ انگیزه علمی پررنگ تر شده است، در حالی که انگیزه مادی و امرار معاش از راه نگارش کتاب‌های محلی کم رنگ شده و اهمیت مؤلفه وطن‌دوستی و مذهب، به نسبت مساوی مانند گذشته بوده است. انگیزه‌های نگارش تاریخ‌های محلی در تاریخ معاصر با وجود تغییرات زمانی در دوره‌های مختلف تاریخی آن، تا حد زیادی تغییر نکرده و متاثراً از شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی نبوده است؛ هرچند در برخی دوره‌ها به دلایلی مانند پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و یا گسترش تحصیلات علمی مرتبط، تغییر در آن حاصل شده است.

۳۰

منابع

- آیتی، محمد حسین (۱۳۲۷). بهارستان در تاریخ و تراجم رجال قاینات و قهستان، تهران.
- ادیب هروی، محمد حسین (۱۳۲۷). الحدیقة الرضویة، مشهد، چاپخانه خراسان.
- احشام کاویانیان، محمد (۱۳۵۵). شمس الشموس یا انیس النفوس، بی‌جا.
- افشارآرا، محمدرضا (۱۳۸۰). خراسان و حکمرانان یا تاریخ استانداری خراسان از آغاز تا پایان عصر قاجاریه، مشهد، محقق.
- تابنده، سلطان حسین (۱۳۴۸). تاریخ و جغرافی گتاباد، بی‌جا.
- توحدی، کلیم الله (۱۳۶۶). حرکت تاریخی کرد به خراسان در دفاع از استقلال ایران، مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد.
- جابانی، محمد (۱۳۸۰). سرمیں و مردم قوچان: گذری به روستاها، تهران، سخن‌گستر.
- حسن‌آبادی، ابوالفضل (۱۳۹۲). مبانی تاریخ نگاری محلی در ایران معاصر، پایان‌نامه دکترای تاریخ محلی، دانشگاه اصفهان، گروه تاریخ.



درنگی برانگیزه های محلی نگاران خراسان در دوره معاصر

سال سوم - شماره سوم - نهار ۱۳۹۴ / ۱۱ / ۰۲ - پیاپی

۳۱

- خجسته مبشری، محمدحسین (۱۳۵۳). *تاریخ مشهد*، مشهد.
- دانش دوست، یعقوب (۱۳۶۹). *طبس، شهری که بود*، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور.
- رضائی، جمال (۱۳۸۱). *بیرجندنامه*، به اهتمام محمود رفیعی، تهران، هیرمند.
- زنگنه قاسم آبادی، ابراهیم (۱۳۷۰). *تاریخ و رجال شرق خراسان*، مشهد، خاطره.
- سیدی، مهدی (۱۳۷۳). *زورآباد جام*، مشهد، محقق.
- شاکری، رمضانعلی (۱۳۴۶). *جغرافیای تاریخی قوچان*، مشهد، اداره کل فرهنگ و هنر خراسان.
- طاهرنیا، بهروز (۱۳۷۶). *مشهد از نگاه سیاحان از ۱۹۱۶ تا ۱۶۰۰ م*، آستان قدس رضوی، مؤسسه چاپ و انتشارات.
- عطاردی، عزیزالله (۱۳۷۱). *تاریخ آستان قدس رضوی*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات و عطارد.
- عمامی پور، محمد (۱۳۸۰). *صلخرو، خاستگاه فرهنگ*، تهران، عابد.
- گرایلی، فریدون (۱۳۵۷). *نیشابور شهر فیروزه*، دانشگاه فردوسی.
- مؤمن، علی (۱۳۴۸). *راهنما یا تاریخ و توصیف دربار ولایتمدار رضوی*، مشهد، آستان قدس رضوی.